

پرداخت.^{۱۶} به خاطر ارادتی که امین الدین به شیخ ابواسحاق کازرونی داشت، عمارت‌های زیادی مانند سقاییه مرشدی، دارالشفای مرشدی، دارالحدیث شمسبیه و دارالعابدین را به نام او بنا کرد^{۱۷} که هم مأمن و پناهی برای عموم مردم بود و هم مراکز تبلیغی و آموزشی به حساب می‌آمد.

برج اولیا

شکوفایی اقتصادی که از عصر آل بویه در مناطق شیراز و کازرون پدید آمد^{۱۸} موجی از مهاجرت دانشمندان، محدثان، صوفیان و شکل‌گیری حلقه‌های تدریس و مناظره را در پی داشت.^{۱۹} بزرگان بسیاری با این موج به فارس آمدند و نوعی حوزه علمی حدیثی در ارتباط با حرمین و شام و مصر در این دیار ایجاد شد که جریان تصوف فارس نیز در سایه آن متولد گشت. در همین روزگار و در چنین بستری بود که آثار ارزشمندی به مانند المنتقی فی سیر مولد المصطفی، نه‌ایه المسئول فی الروایه الرسول و سیره عقیفی در فارس به رشته تحریر آمد؛ کتاب‌هایی با موضوع حدیث و سیره نبوی آمیخته با بافتار صوفیانه و متناسب با فهم و ذات‌تفه مخاطب ایرانی آن عصر که در خانقاه و در خلال جلسات درس و وعظ به آنها پرداخته می‌شد.^{۲۰}

شاید بتوان تأسیس مسجد به دست شیخ مرشد را (۵۳۷ ق.)، نقطه آغازی برای فعالیت اجتماعی جدی متصوفه در فارس به حساب آورد.^{۲۱} چندی بعد، شیفتگان و دل‌باختگان آوازه شیخ از اطراف و اکناف به کازرون آمدند و اومحلی را به نام «تحت السراج» (زیر چراغ) به پذیرایی از میهمانان اختصاص داد.^{۲۲} به مرور کار شیخ چنان بالا گرفت که از کازرون، به امور ۶۵ خانقاه رسیدگی می‌کرد.^{۲۳} نذورات فراوان خانقاه‌ها شیخ مرشد را بر آن داشت تا علاوه بر ارشاد و تذکیر، این بار در قامت شیخ غازی به جهاد علیه زردشتیان و ترسایان منطقه برخیزد.

زردشتیان که در کازرون موقعیتی ممتاز و با حکومت آل بویه نیز روابط خوبی داشتند، برای درامان ماندن دو آتشکده «جفته» و «کلزن» ناگزیر از جنگ یا پرداخت جزیه به شیخ بودند.^{۲۴} این درآمدها صرف بهبود تشکیلات و شبکه خانقاهی می‌شد. خانقاه‌های مرشدی مجموعه کاملی را در بر می‌گرفت که تمام مایحتاج سادی و معنوی پیروان را در خود جای داده بود؛ از جمله در



تیری که از خصم به سوی او رها شده بود، در سفر آخرت‌ش همراه او در گور بگذارند. به دستور او ورقه نام‌ها را رو به رو تیر را بر پشتش قرار دادند.^{۱۴}

ادامه راه شیخ مرشد

پس از شیخ مرشد، شاگردان و هواداران‌ش طریقت او را ادامه دادند اما پرازه‌ترین فرد در میان اولیای این طریقت، شیخ امین الدین بلیانی بود.

شیخ امین الدین در حدود ۶۶۸ قمری در روستای بلیان کازرون زاده شد. در هشت‌سالگی قرآن را نزد شیخ الاسلام نورالدین فراگرفت و از کودکی تحت تعلیمات پدرش زین الدین علی، فرزند خواجه امام الدین مسعود بلیانی و عموی شیخ اوحد الدین عبدالله با ذکر و ریاضت و دانش آشنا شد و از محضر فقیه عثمان کهنی و مولانا رشید الدین احمد، فقه و حدیث را فراگرفت.^{۱۵} سپس برای تحصیل مدتی به شیراز رفت و در چهارده‌سالگی در حالی که از عموی شیخ خرقه دریافت کرده بود، به کازرون برگشت و خانقاهی دایر کرد و به تربیت مریدان

مسلمانان در میان کافران می‌توان شمرد، اما روزی [باشد که مسلمانان غالب شوند و چنان شود که کافران در میان مسلمانان بتوان شمرد از اندکی ایشان. و حال همچنان بود که چون مسلمانان بر کافران غالب شدند، گروه گروه می‌آمدند و بر دست شیخ قدس الله روحه العزیز مسلمان می‌شدند تا چنان شد که همه گبران این نواحی مسلمان شدند.^{۱۶} زردشتیان که شرایط خود را نامساعد می‌دیدند، دست به دامان آل بویه شدند. فخرالملک وزیر بویه‌ای نیز برای اطلاع از چگونگی اوضاع، شیخ را از کازرون احضار کرد و آزادی او را به ترک مخاصمه در منطقه کازرون مشروط کرد اما روابط میان مریدان شیخ و زردشتیان هر روز تیره‌تر می‌شد. از این رو شیخ چند نوبت مورد سوء قصد واقع گردید.^{۱۷} ابواسحاق که این جهاد و جانبازی را مایه مباحث و نجات اخروی خود می‌دانست، وصیت کرد تا هنگام مرگ، سپاه‌ای را از نام کسانی که به دست او اسلام آوردند، به همراه